



حکمت اسلامی در مطالعات فرهنگی و هویتی

الهام اسلامی¹، هادی صالحی^{*1}

¹ گروه زبان انگلیسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

* نویسنده مسوول (hadisalehi1358@yahoo.com)

چکیده

زبان قلب هر فرهنگ است و رابطه بین زبان و فرهنگ اجتناب ناپذیر است. از طرف دیگر، هویت افراد چه به لحاظ شخصی و چه به لحاظ اجتماعی به شدت تحت تاثیر فرهنگ غالب و زبان جامعه است. بنابراین رابطه‌ی بین زبان، فرهنگ و هویت فردی و اجتماعی اجتناب ناپذیر است. از نظر دانشوران اسلامی، حکمت به معنی دانستن چیزها آن‌گونه که هستند می‌باشد. به لحاظ واژگانی، به معنی فرزاندگی است و معمولاً آن را معادل شرقی یا اسلامی، فلسفه اروپایی در نظر می‌گیرند. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است که بر روابط منسجم بین این سه عامل تاکید دارد. هدف این پژوهش آن است که حکمت اسلامی و تاثیر آن را در مطالعات زبان شناسی از حیث هویت و فرهنگ بررسی کند. نتایج این پژوهش کتابخانه‌ای نشان داد که حکمت اسلامی کاملاً در هویت و فرهنگ در مسائل زبان شناختی آمیخته است و نمی‌توان حکمت اسلامی را مسئله‌ای جدا از فرهنگ و هویت در مطالعات زبان شناسی تلقی کرد. از این رو، می‌توان رابطه‌ی بین حکمت اسلامی و فرهنگ و هویت را در کشورهای اسلامی در مقایسه با کشورهای غیر اسلامی به وضوح مشاهده کرد. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند برای پژوهشگران که به دنبال اثر حکمت اسلامی در جنبه‌های مختلف زبان شناسی هستند مفید واقع شود.

کلید واژه‌ها: حکمت اسلامی، هویت، فرهنگ، مطالعات زبان شناسی



مقدمه

زبان قلب هر فرهنگی است و در دل فرهنگ است که هویت شکل می گیرد. هویت از جمله مفاهیمی است که از ابعاد خاصی در روانشناسی و جامعه شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به طور کلی، هویت در دو طبقه بندی خاص "هویت اجتماعی" و "هویت شخصی" تعریف و بررسی می شود. هویت اجتماعی در واقع همان طور که از نامش مشخص است در داخل جامعه شکل می گیرد و شامل ویژگی هایی است که افراد جامعه به یک فرد خاص نسبت می دهند. در واقع، شرایط و کنش های اجتماعی و افرادی که با فرد تعامل دارند هویت اجتماعی را می سازند (آنتونی گیدنز و کارن بردسال، 1390). در مقابل هویت فردی در واقع به مجموعه مشخصه های تشکیل دهنده درونی فرد گفته می شود. دو کلید واژه فرد و اجتماع در واقع در قلب هویت قرار دارند. هویت فردی و هویت اجتماعی هر دو دارای وجه سلبی و اثباتی هستند. در حقیقت، وجه اثباتی آن نیازمند همسانی و همسوئی افراد، اصناف یا اجتماعاتی است که به دلیل اهداف، آمال و اهداف مشترکی که دارند همگی در یک مسیر مشخص قرار دارند و بعد سلبی آن ک شامل خصیصه های دفعی می باشد از دیگر هویت ها متمایز شده است. در هم آمیختگی ناگسستنی مفهوم هویت با مبانی و ارزش های فکری و عقیدتی یک اجتماع، ناگزیر به ریشه فرهنگ و نقش متقابل فرهنگ و هویت اشاره دارد (زرع پیمان، 1396).

به طور کلی، یکی از ویژگی های ذاتی و محوری فرهنگ در جوامع مذهبی دین و در جوامع اسلامی، اسلام و در دین اسلام در حقیقت توحید است (زرع پیمان، 1396). در واقع می توان گفت که توحید رکن اصلی بینش است. در حکمت اسلامی، فرد مسلمان در هر جای دنیا که باشد خویشتن خود را به هویت اسلامی وابسته می داند و در چنین فضای فرهنگی پیش می رود. در واقع، چنین هویتی باعث اتصال روحی و فکری او به قاطبه ی مسلمانان موحدی می گردد که فضای عقیدتی مشترکی دارند. در همین رابطه، مقام معظم رهبری می فرمایند مسلمان در هر جایی در دنیا که باشد زمانی که سرش را بلند می کند و پرچم اسلام می بینند، به وجد می آید و احساسات



اسلامی در وی متجلی می شود و این باعث زنده شدن هویت اسلامی در وی می گردد. با توجه به مطالبی که در بالا بیان شد، در تقدم فرهنگ و هویت در جوامع اسلامی نقش فرهنگ که مجموعه‌ای از مبانی فکری و ارزشی جوامع مسلمان در غرب آسیا و اکناف گیتی است در طی رابطه‌ای علی تبیین می گردد (زرع پیمان، 1396). این بدان معنا است که فرهنگ اسلامی جوامع در حقیقت بستر شکل گیری هویت اجتماعی و فردی افراد جامعه است و بدون آن جوامع اسلامی دچار فقدان هویت اسلامی می گردند.

هویت های اسلامی در تاریخ

دین اسلام در بدو ظهور خود در جزیره العرب، دینی دارای فرهنگ و جهان بینی نوینی بود و به همین دلیل هویت جدیدی را به کل اجتماع انسانی که پیرو آن بودند بخشید. در حقیقت، دین اسلام فقط یک جنبش عرفی برای رستگاری افراد نبود بلکه هدف آن ایجاد کردن همبستگی جمعی برای تشکیل ستون اصلی امت و تکوین حکومت اسلامی بود (بشیریه، 1392). اسلام از همان ابتدای ظهور خود در تقابل با سکولاریسم «فلسفی» و «سیاسی» بود و باعث شد ارتباط تنگاتنگی بین دین و سیاست برقرار شود. در این رابطه، برناد لوئیس بیان می کند که در بدو ظهور اسلام، مسلمانان مانند دیگران حکومت می کردند و مانند سایرین مالیات می گرفتند و در صورت جنگ وارد آن می شدند اما فرق آنها با سایر افراد در این بود که آنها دین خود را در بسیاری از این امور مداخله می دادند. حضرت محمد (ص) بنیان گذار دین اسلام بود. در زمان حیات حضرت محمد (ص) بیعت دینی و سیاسی صورت گرفت و امت محمد در مدینه به صورت یک دولت سیاسی درآمدند و ایشان خودشان فرمان روای سرزمین شدند. از این رو معضل و مشکلی که در میان مسیحیان همیشه وجود داشت یعنی انتخاب میان خدا و قیصر، برای پیامبر اسلام و پیروانش اصلا وجود نداشت (لوئیس، 1393). از این رو، یک عضو جدایی ناپذیر از هویت عام جوامع اسلامی خالت دو گانه ی مسلمان/غیرمسلمان بود. پس از رحلت پیامبر اسلام، در رابطه با جانشینی ایشان و روی کار آمدن نظام خلافت بنی امیه، بنی عباس و تاراج و سببیت مغولی، هویت های درون دینی زیاد و متنوعی از جمله



شیعه و سنی به وجود آمد. اگر چه این هویت ها اختلافاتی داشتند اما همواره سویه آنها در اسلام یکسان بود. بحث هویت در جهان اسلام عمیقا با مسائل سیاسی اشاره می کند که تاثیر مستقیمی روی ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز دارد.

فرهنگ و شیوه زندگی

در ساده ترین تعریف می توان گفت که فرهنگ هر جامعه ای شیوه ای زندگی در آن جامعه است. در یک جامعه، برای اینکه افراد کنار هم زندگی کنند، شیوه های مشترکی را به کار می گیرند. در حقیقت، مردم یک جامعه درباره چگونگی برقراری ارتباط با یکدیگر، باورها، اعتقادات، تعذیه، نحوه لباس پوشیدن، قوانین و مقررات و بسیاری از چیزهای دیگر اشتراکاتی دارند. به عبارت دیگر، جامعه بدون فرهنگ اساسا وجود ندارد و فرهنگ بدون جامعه بی معنا است.

شاید برایتان جالب باشد که بدانید فرهنگ یک پدیده ی آموختنی است و این گونه نیست که به صورت ژنتیکی و از طریق ژن منتقل شود و به ارث برسد. فرهنگ از طریق آموز از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردد. از این رو، فرهنگ را آگاهی و تفکر مشترک اعضای یک جامعه می نامند. نکته حائز اهمیت در رابطه با فرهنگ این است که فرهنگ در فرآیند اجتماعی شدن به وجود می آید.

به طور کلی، اجتماعی شدن یک فرآیند دراز مدت است و از زمان تولد فرد در آخر عمر ادامه دارد و فرد زندگی در جامعه را می آموزد و سعی می کند که خودش را با قوانین حاکم در سطح جامعه وفق دهد. در حقیقت، یکی از فرآیندهای بسیار مهم زندگی اجتماعی شدن است چرا که بدون آن افراد قادر نیستند که به زندگی خود در جامعه ادامه دهند. در یک جامعه، افراد قوانین و مقررات، عقاید و باورها و حتی نحوه پاسخ دادن به غرایز را از دیگر افراد یاد می گیرند و به فرزندان خود و افراد دیگر آموزش می دهند. افراد نخستین فرآیند اجتماعی شدن را در خانواده



تجربه می کنند. والدین به کودک یا کودکان خود آموزش می دهند که چگونه صحبت کنند یا چطور غذا بخورند و چه آدابی را در زمانی که در تعامل با دیگران هستند رعایت کنند. همچنین کودکان در خانواده علاوه بر اینکه یاد می گیرند که چگونه نیازهای خود را برطرف کنند، شیوه ی بیان احساسات و هیجان را نیز می آموزند و تقلید می کنند. خانواده از روش های مختلفی از جمله تشویق و تنبیه استفاده می کند تا به فرزندان خود چیز را بیاموزد. وقتی که کودک بزرگتر می شود، رسانه های جمعی، روابط دوستانه با هم سالان و برنامه های آموزشی و پرورشی مدرسه بستری می شوند تا فرد با هنجاری بیشتری در سطح جامعه آشنا شود و خودش را متناسب با آنها پیش ببرد. این فرآیند هیچ گاه متوقف نمی شود و همچنان با بزرگ تر شدن فرد ادامه دارد.

لایه های فرهنگ

در هر فرهنگی جنبه های مختلفی وجود دارد. از این رو می توان جنبه های مختلف یک فرهنگ را به یک لایه ی پیاپی تشبیه کرد. برخی از این لایه ها بیرونی یا خارجی هستند همانند هنجارها و قوانین. زمانی که شما وارد یک فرهنگ جدید در یک جامعه جدید می شوید، ابتدا با شکل های ظاهری فرهنگ مواجه می شوید اما زمانی که با زندگی افراد آن جامعه بیشتر آشنا می شوید قطعاً به جنبه های عمیق تری از زندگی آنها پی خواهید برد. در حقیقت، عقاید و ارزش ها لایه های عمیق تر فرهنگ به حساب می آیند. هنجارها در حقیقت رفتارهای خاصی می باشند که در یک جامعه شایع است و مورد پذیرش جامعه می باشد. به عبارت دیگر، هنجارهای اجتماعی رفتارهای مشخصی هستند که در یک جامعه پذیرفته شده است. در هر جامعه ای مجموعه ای از قوانین و هنجارها وجود دارد که افراد آن جامعه باید از آن پیروی کنند. برای مثال وقتی افراد به هم می رسند به هم سلام می کنند یا وقتی فردی در کاری پیروز می شود افراد دیگر به او تبریک می گویند.



زندگی اجتماعی بدون وجود چنین قوانین و هنجارهایی عملاً ادامه پیدا نمی کند و این هنجارها باعث تداوم روابط اجتماعی می شوند. افراد یک جامعه ملزم هستند تا از هنجارها پیروی کنند تا جامعه آنها را بپذیرد. در حقیقت اعتقاد به این هنجارها، حفظ آبرو یا ترس از مجازات از مهم ترین دلایل پیروی از این هنجارها و قوانین به شمار می رود. طبیعتاً وقتی افراد در یک جامعه هنجار شکنی می کنند مجازات می شوند.

ارزش ها و عقاید

در کلام ساده ارزش به این معنی است که کاری را خوب و مثبت تلقی نماییم. در هر جامعه ای ممکن است فرد یا گروهی برخی از کارها را با ارزش بدانند و برخی امور دیگر را ناپسندیده و زشت بدانند. در حقیقت، ارزش ها باعث می شوند تا هنجارها جهت بگیرند یعنی افراد بر اساس ارزش هایی که به آنها اعتقاد دارند در جامعه رفتار می کنند. از این رو، فردی که به بهداشت اهمیت می دهد همواره مسائل بهداشتی را رعایت می نماید. ارزش های اجتماعی و انسانی به آن دسته از ارزش ها گفته می شود که بیشتر انسان ها در یک جامعه آن را مطلوب و پسندیده می دانند برای مثال صادق بودن، به دیگران کمک کردن و مودب بودن از ارزش های جامعه به شمار می آید. عقاید دینی نقش بسیار مهم و پر رنگی در شکل گیری ارزش ها ایفا می کنند. برای مثال مسلمانان ذکات را یک ارزش می دانند و همواره تلاش می کنند تا با انجام کارهای خوب خدا از آنها راضی باشد. در حقیقت، برای مسلمانان اعتقاد اسلامی ملاکی برای ارزیابی هنجارها و ارزش ها در سطح یک جامعه است.

خرده فرهنگ

هر فرهنگ در حقیقت زیر مجموعه هایی را در دل خود دارد. هر یک از این زیر مجموعه ها، دارای هنجارها و نماد های ویژه خود است. برای مثال، هر یک از جوامع روستایی و شهری، قانون و هنجارهای خاص خود را دارد که مخصوص خودش است و قطعاً با هنجارهای جوامع دیگر متفاوت است.



هویت

این هر فردی کیست در واقع هویت فرد را نشان می دهد. در واقع زمانی که فرد در موقعیتی قرار می گیرد که می خواهد خودش را معرفی کند به این سوال کیستی پاسخ می دهد. در حقیقت می توان گفت که موضوع هویت همان پاسخ به پرسش کیستی می باشد. هویت عبارت است از آگاهی، احساس و شناخت فرد از خود. هویت در واقع یکی از تمایزهای انسان با سایر موجودات زنده به شمار می آید و خداوند متعال این امتیاز ویژه را به انسان عطا کرده است. هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی می باشد. هویت فردی شامل ویژگی های روحی و جسمانی فرد است. ویژگی هایی همچون سن، قد، گروه خونی هویت جسمی فرد را تشکیل می دهد. ویژگی های روانی و اخلاقی در واقع ویژگی های فردی غیر جسمانی هستند برای مثال امید و پشتکار داشتن، به هنر علاقه داشتن و اراده از جمله ویژگی های هویت روحی فرد به شمار می آیند.

ممکن است که ویژگی های جسمانی افراد روی خصوصیت های روانی آنها اثر بگذارد. برای مثال وقتی فرد بیمار است، تاثیر بدی روی روان او می گذارد. به طور متناسب، ویژگی های روحی و روانی نیز می توانند بر جسم فرد اثر بگذارند. برای مثال افراد مثبت اندیش معمولاً به لحاظ جسمی سالم تر هستند. در مقابل هویت فرد، هویت اجتماعی قرار دارد. افراد با قرار گرفتن در محیط های اجتماعی و گروه های مختلف، هویت اجتماعی خودشان را می سازند. برای مثال وقتی فرد به مدرسه می رود دانش آموز و رفتن به دانشگاه، دانشجوی می شود. افراد در طول زندگی خود عضو گروه های مختلفی می شوند اما اولین گروهی که هر فرد در زندگی وارد آن می شود خانواده است.

به طور کلی، برخی از ویژگی های هویتی فرد همواره ثابت است و تغییر نمی کند. برای مثال یک فرد نمی تواند سن و تاریخ تولد خود را تغییر دهد. اما برخی دیگر از ویژگی های هویتی در حال تغییر می باشند. برای مثال ممکن است یک فرد ثروتمند روزی سرمایه اش را از دست بدهد و فقیر شود. علاوه بر این، ما در شکل گیری برخی



از مشخصه های هویتی خود هیچ نقشی نداریم به عنوان مثال در جنسیت، زمان تولد، شکل و قیافه و نژاد خود هیچ نقشی نداریم. به ویژگی هایی که خارج از کنترل ما هستند و ما در آنها هیچ نقشی نداریم ویژگی های انتسابی گفته می شود. از طرف دیگر، ما در برخی دیگر از ویژگی های هویتی خود نقش داریم. به عنوان مثال، برخی از صفت های اخلاقی یا مشخصه های اجتماعی را می توانیم خودمان انتخاب کنیم و به آنها شامل می دهیم. به آن دسته از ویژگی ها که ما در به دست آوردن آنها نقش داریم، ویژگی های اکتسابی گفته میشود.

حکمت اسلامی، هویت و فرهنگ

از ارکان بسیار مهم هویت در واقع دین است. معمولاً در دین اسلام، عقاید، ارزش ها و حتی نظام سیاسی و اجتماعی نیز برگرفته است از دین است. زندگی مسلمانان با دین عجین شده است. به طور کلی کلی، دین و حکمت اسلامی تاثیر مستقیمی در شکل گیری هویت اجتماعی دارد. از طرف دیگر، وقتی که در کشورهای اسلامی، ارزش ها و هنجارهای جامعه بر اساس مقیاس های دینی سنجیده می شود به نوعی فرهنگ بر اساس آن شکل می گیرد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که حکمت اسلامی در تارپوت هویت اجتماعی فرد اثر گذار است و در مقابل در جوامع اسلام فرهنگ کاملاً برگرفته از حکمت اسلامی می باشد.

جهان بینی، اصول و ویژگی های فرهنگ اسلامی

اسلام دارای طرز تفکر مخصوص به خود می باشد و به مسلمانان جهان بینی خاص خود را آموزش می دهد و سعی دارد تا عقاید و طرز فکر مسلمانان بر اساس آن ساخته شود و رنگ اسلامی به خود بگیرد. از این رو، اسلام برای هر مفهومی تفسیر خاص خود را ارائه می دهد.

1. آفریدگار جهان: شکی نیست که دین اسلام دین تسلیم شدن در برابر خدا است. خدا در حقیقت واقعیت

متعالی است که منشا تمام واقعیت ها است و هر چیزی از اوست و به او باز می گردد. اسلام بر این واقعیت



تاکید زیادی دارد که خدا واحد است. و همواره در زمان شهادت دادن مسلمانان این را می گویند. این تصویر توحیدگرایانه شامل کل تاریخ بشریت می شود. اسلام از ابتدای خلقت بشر وجود داشته است. این و خدانیت به دلیل سرشت انسان که فراموش کار است به تدریج با گذشت زمان فراموش گردیده است. اسلام دین نهایی و کامل ترین دین است.

2. جهان: طبق خداشناسی اسلامی، جهان مخلوق واحد و مستقلی است که سرشار از زندگی و زیبایی است و با توجه به بخشندگی و کمالات خداوند، این جهان با نظم و هماهنگی برقرار است و سیر تکاملی خود را طی می کند. می توان گفت که کل طبیعت مسلمانان می باشند چرا که خودشان را تسلیم خدا و مشیت خداوند کرده اند.

3. جامعه: در اسلام جامعه نیز دارای مفهوم خاصی است. جامعه از وجود انسان سرچشمه می گیرد و در واقع برای رفاه و به سعادت رسیدن انسان ها به وجود آمده است. اما جامعه ی اسلامی دارای رنگ فردی یا اجتماعی نیست. در جامعه ی اسلام روابط بین افراد باید نزدیک و صمیمانه باشد و همچنین باید بین همه اعضا پیوند برادری برقرار باشد. از این رو، جامعه بستری برای رشد افراد است.

نتیجه گیری

هدف این مقاله بررسی حکمت اسلامی در مطالعات فرهنگی و هویتی بود. در قلب هر فرهنگی زبان قرار دارد و نقش آن اجتناب ناپذیر است. از طرف دیگر، زمانی که فرد در یک جامعه یا اجتماع زندگی می کند، هویت اجتماعی او شکل می گیرد و هویت اجتماعی در حقیقت برگرفته از جامع و هنجارهای موجود در جامعه می باشد. از این رو، در جوامع مسلمان، همه ارزش ها و هنجارها عمدتاً با در نظر گرفتن جنبه های دینی می باشد. از این رو، حکمت اسلامی کاملاً در شکل گیری هویت اجتماعی افراد ملموس است. از طرف دیگر، در دل زندگی اجتماعی است که فرهنگ شکل می گیرد و فرهنگ بدون در نظر گرفتن اجتماع کاملاً بی معنا است. از این رو، در واقع جامع



هنجارها و ارزش هایی را تعیین می کند و افراد آن جامعه باید به آن ارزش ها و هنجار پایبند باشند تا بتوانند عضو آن جامعه شوند. مجموعه ی این هنجارها و شیوه ها در واقع، فرهنگ را به وجود می آورد. جوامع مختلف دارای فرهنگ های مختلفی هستند. چیزی که برای یک جامعه ممکن است ارزش باشد ممکن است در جامعه ی دیگر ارزش نباشد و اساساً بی اهمیت باشد. از طرف دیگر، زمانی که فرد در یک جامعه متولد می شود هویت اجتماعی او بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل می گیرد. از این رو دو مفهوم هویت و فرهنگ از هم جدا نیستند. در جوامع اسلامی، افراد بسیاری از ارزش ها و هنجارها با در نظر گرفتن آموزه های دینی به وجود می آورند و در حقیقت با نگاه دینی به هر مسئله حتی سیاست می نگرند. از این رو، در چنین جوامعی، هویت و فرهنگ کاملاً تحت تاثیر دین و حکمت اسلامی است.

. از نظر دانشوران اسلامی، حکمت به معنی دانستن چیزها آن گونه که هستند می باشد. به لحاظ واژگانی، به معنی فرزادگی است و معمولاً آن را معادل شرقی یا اسلامی، فلسفه اروپایی در نظر می گیرند. نتایج این پژوهش کتابخانه ای نشان داد که حکمت اسلامی کاملاً در هویت و فرهنگ در مسائل زبان شناختی آمیخته است و نمی توان حکمت اسلامی را مسئله ای جدا از فرهنگ و هویت در مطالعات زبان شناسی تلقی کرد. از این رو، می توان رابطه ی بین حکمت اسلامی و فرهنگ و هویت را در کشورهای اسلامی در مقایسه با کشورهای غیر اسلامی به وضوح مشاهده کرد. نتایج حاصل از این پژوهش می تواند برای پژوهشگران که به دنبال اثر حکمت اسلامی در جنبه های مختلف زبان شناسی هستند مفید واقع شود.

به طور کلی، بررسی مفاهیمی چون هویت، فرهنگ بسیار حائز اهمیت است زیرا افراد با دو مفهوم بنیادین که فرد از زمان بدو تولد با آنها عجین است بیشتر آشنا می شوند. از طرف دیگر، حکمت اسلامی از بحث های بسیار مهم و حائز اهمیت در جوامع اسلامی است چرا که مسلمانان به همه مسائل با در نظر گرفتن آموزه های دینی نگاه می کنند و همواره در همه ی عرصه ها از جمله زندگی اجتماعی و سیاسی خود، موارد مهم مرتبط به دین اسلام را مد



نظر قرار می دهند تا خداوند از آنها راضی باشد. در این زمینه پژوهش های کمی صورت گرفته است و هنوز جا برای پژوهش های بیشتر وجود دارد. چرا که می توان حکمت اسلامی را از ابعاد مختلفی مورد بحث و ارزیابی قرار داد و نقش آن را در عرصه های مختلف زندگی مسلمانان بررسی کرد. همچنین می توان نظر به صورت جزئی تر هویت و فرهنگ جوامع اسلامی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد تا نتایج بهتری در این زمینه حاصل شود.

منابع

-بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶.

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36331>

-آنتونی گیدنز و کارن بردسال، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰، چاپ ششم، ص ۴۵.

-بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر ۱۳۷۹.

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=925>

-بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱ مرداد ۱۳۷۶.

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2845>

-حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲، چاپ بیست و دوم، ص ۲۳۴.

-برنارد لوئیس، خاورمیانه، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳، چاپ چهارم، صص ۱۴۱-۱۴۲.

-محمود واعظی، بحران های سیاسی و جنبش های اجتماعی در خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۱، صص ۵۹-۶۰.



-کارن الیوت هاوس، درباره عربستان سعودی: مردم، گذشته، دین، خطوط گسست و آینده، ترجمه مرتضی رجائی خراسانی و فاطمه مهسا کارآموزیان، تهران: مترجم، ۱۳۹۴، چاپ اول، صص ۲-۳.

-مقاله‌ی بررسی راهبردی، گفتمانی و کارکردی پیشرفت ج.ا.ایران در مقایسه با مصر و عربستان طی چهار دهه اخیر، اندیشکده راهبردی تبیین، صفحه ۴

[-http://www.tabyincenter.ir/17109/](http://www.tabyincenter.ir/17109/)

-جان اسپوزیتو و جان وال، جنبش‌های اسلامی معاصر، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳، چاپ پنجم، صص ۱۹-۲۱.

-نبی الله ابراهیمی، نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۴، صص ۱۸۰-۱۸۱.

-مقاله‌ی بررسی راهبردی، گفتمانی و کارکردی پیشرفت ج.ا.ایران در مقایسه با مصر و عربستان طی چهار دهه اخیر، اندیشکده راهبردی تبیین، صفحه ۶

<http://www.tabyincenter.ir/17109/>

-بیانات رهبر معظم انقلاب در محفل انس با قرآن کریم در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۹۶.

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36663>

-مواضع برژینسکی در قبال انقلاب اسلامی ایران، اندیشکده راهبردی تبیین:

<http://www.tabyincenter.ir/19390/%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B6%D8%B9-%D8%A8%D8%B1%DA%98%DB%8C%D9%86%D8%B3%DA%A9%DB%8C->



<http://www.khamenei.ir/first-national-conference-on-humanities-and-islamic-wisdom>

-وصیت نامه الهی سیاسی حضرت امام خمینی رحمه الله، سایت مقام معظم رهبری

<http://farsi.khamenei.ir/imam-content?id=9447>

-مبانی، اصول و راهبردهای سیاست خارجی از منظر امام خمینی (ره)، اندیشکده راهبردی تبیین:

<http://www.tabyincenter.ir/13388/%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%8C-%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84-%D9%88-%D8%B1%D8%A7%D9%87%D8%A8%D8%B1%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D8%AE%D8%A7%D8%B1%D8%AC%DB%8C-%D8%A7%D8%B2/>

-بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دبیر و کارشناسان دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با رهبر انقلاب، ۱۴ اسفند ۱۳۹۴.

-زرع پیمان، شاهین (1396). هویت اسلامی، مفهومی مهجور در جهان اسلام. کارشناس ارشد علوم اجتماعی

اسلامی

<http://tabyincenter.ir/19918/%D9%87%D9%88%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%8C-%D9%85%D9%81%D9%87%D9%88%D9%85%DB%8C-%D9%85%D9%87%D8%AC%D9%88%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7/>



First National Conference on Humanities and Islamic Wisdom

